

سبک زبان داستان‌نویسی کامل الکیلانی در داستان کودک (بررسی موردی: داستان‌های اصدقاء الربیع و الافیل الابيض)

فرامرز میرزایی* / زهرا افضلی** / محمد کلاشی***

دریافت مقاله:

۱۳۹۵/۰۶/۳۰

پذیرش:

۱۳۹۶/۰۲/۱۶

چکیده

هر اثر ادبی که خلق می‌شود، ویژگی‌های خاص خود را دارد و سبک و روش ارائه افکار و خلاقیت‌های نویسندگان، با توجه به تفاوت فکری و روانی‌شان، متفاوت است. زبان روایت داستان مقوله‌ای است که باید متناسب با مخاطب و نوع داستان باشد. این ویژگی در داستان کودک با حساسیت و ظرافت ملموسی همراه است که نویسندگان کودک باید بسیار نکته‌سنج و آگاه باشند و از واژگان و عباراتی استفاده کنند تا زبان داستان برای کودک ساده و قابل فهم باشد و کودک بتواند حوادث و مفهوم داستان لمس کند. هدف نوشتار حاضر این است که با شیوه توصیفی - تحلیلی، شگرد و سبک نویسندگی کامل الکیلانی را در نمونه داستان‌های مذکور مورد بررسی قرار دهد. بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده در داستان‌های مورد پژوهش، حاکی از آن است که کامل الکیلانی با استفاده از تکرار واژه‌ها و عباراتی کوتاه و ساده، زبان داستان‌هایش را با سطح درک و فهم کودکان متناسب نموده است. او همچنین بیشتر افعال این عبارات را از زمان ماضی گرفته تا بتواند به داستان رنگ واقعی داده و حادثش را برای مخاطب خردسالش ملموس و عینی نماید.

کلیدواژه‌ها: ادبیات معاصر عربی، داستان کودک، کامل الکیلانی، سبک داستانی.

* استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس.

** دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا.

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی. (نویسنده مسئول)

مقدمه

مرحله کودکی مهم‌ترین مرحله رشد می‌باشد و چگونگی آن، بر زندگی انسان تأثیر زیادی دارد. از این‌رو، عالم بشریت همیشه در فکر تربیت صحیح فرزندان خویش بوده و برای انجام این عمل، شیوه‌های مختلفی را در پیش گرفته است که ادبیات کودکان، به ویژه داستان کودک از ابزارهای آرمانی برای این کار به شمار می‌آید و در تربیت و رشد کودکان بسیار مؤثر واقع می‌شود. از این جهت، این فن ادبی زیبا در جهان کنونی از جمله در کشورهای عربی از اهمیتی قابل توجه و روزافزون برخوردار است، اما ناقدان ادبی به آن توجه درخور نکرده‌اند. (کلاشی، ۱۳۹۰: ۲)

هر نوع اثر ادبی که خلق می‌شود، ویژگی‌های خاص خود را دارد و سبک و روش ارائه افکار و خلاقیت‌های نویسندگان با توجه به تفاوت روانی و فکری متفاوت است.

با توجه به نظریه ناقدان ادبی، سبک در شاعری یا نویسندگی، «دانشی است تلفیقی که دانش‌های مختلفی مانند نقد ادبی، بلاغت و زبان‌شناسی را دربرمی‌گیرد و وحدتی است که در آثار یک ادیب به چشم می‌خورد. مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی که تنها ویژه آن اثر است (شریم، ۱۹۸۷: ۳۷) و آن اثر را از دیگر آثار آن فرد یا دیگران متمایز می‌کند.

زبان روایت داستان یکی از شاخه‌های سبک و اسلوب داستان‌نویسی است که باید متناسب با سطح درک و فهم مخاطبان (در سنین مختلف) باشد. این مقوله در داستان کودک با حساسیت و

ظرافت ملموسی همراه است که نویسندگان کودک باید بسیار نکته‌سنج و آگاه باشند. چراکه داستان کودک به عنوان یک فن ادبی جذاب و زیبا باید قابل درک و فهم برای مخاطبان خردسال و نوجوان خود باشد و این میسر نیست جز اینکه نویسندگان این فن ادبی به زبان داستان اهمیت بیشتری بدهند و از واژگان و عباراتی استفاده کنند تا کودکان مفهوم داستان را به سادگی درک کنند. بنابراین، این نوشتار بر آن است تا به مسئله ذیل پاسخی معقول بدهد: سبک زبان نویسندگی کامل الکیلانی در نمونه داستان‌های مذکور چگونه است و واژگان و عبارات را به چه روشی به کار گرفته است؟

فرض بر آن است که نویسنده بیشتر به تکرار واژه‌ها و همچنین عبارات ساده توجه ویژه‌ای نشان داده است تا مفاهیم داستان‌های مورد بررسی برای کودک قابل فهم باشد و اساس جملات داستان‌هایش را بیشتر بر فعل ماضی نهاده تا حوادث و اتفاقات داستان را واقعی جلوه دهد.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی (کتابخانه‌ای) است. در این روش پژوهشگر با مراجعه به کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی، مجلات، روزنامه‌ها و حتی سخنرانی‌های مرتبط با موضوع، مطالبی که او را در راه رسیدن به پاسخ درست و معقول این پژوهش کمک می‌کند، جمع‌آوری کرده و با تجزیه و تحلیل علمی خود به نتایج مطلوب دست می‌یابد.

درباره ضرورت انجام این پژوهش باید گفت: همان‌طور که کودکان اساس و آینده‌سازان

زهره حمزه‌نژاد (۱۳۹۴) در دانشگاه زابل با عنوان «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های ادبیات کودک در داستان‌های کامل کیلانی و مهدی آذریزدی»، مقاله «القیم التربویة و دورها فی قصص الاطفال دراسة فی قصص کامل کیلانی» توسط حسین کیانی (۱۴۳۳هـ.ق) و همکاران کار شده است. بنابراین، دقیقاً در رابطه با موضوع این نوشتار و حداقل نمونه داستان‌های مورد بحث، پژوهشی یافت نشده است.

سبک زبان داستان (or Language Fiction) (Language Method)

سبک شیوه‌ای است که نویسنده در نوشتن به کار می‌بندد. تفاوت سبک نویسندگان در نهایت بیانگر تفاوت‌های ذهنی و شخصیتی آنهاست. هر نویسنده شیوه کلام و گویش فردی خود را دارد. بنابراین، باید اذعان کرد که سبک، مختص هر فرد است و از این حیث هر نویسنده‌ای می‌تواند با دیگری تفاوت داشته باشد.

زبان از کلمات و جملات ترکیب یافته است، اما تنها کلمات و جملات نیستند که بر خواننده تأثیر می‌گذارند، بلکه سبک و سیاق کاربرد و نحوه انتخاب آنهاست که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خواننده صرفاً از آنچه نویسنده می‌گوید، از داستان استقبال نمی‌کند، بلکه چگونگی گفتن او خوشایند و مطبوع است. به اعتقاد میرصادقی «سبک حالتی است که نویسنده در آن احساسات خود را بیان می‌کند و به دو عامل بستگی دارد: قدرت احساس نویسنده و مایه او. مایه نویسنده باید بر اثر مطالعه و

هر جامعه هستند، بنابراین پژوهش در حیطه‌های مرتبط با کودکان، از جمله این پژوهش که تا حدی ویژگی زبانی کودکان را می‌شناساند، لازم است.

با توجه به جست‌وجوهای انجام شده، در کشورهای عربی تحقیقات و مطالعات نسبتاً زیادی در زمینه ادبیات کودک، به صورت کلی و گاهی نیز تخصصی انجام شده است که به طور خاص درباره آثار این نویسنده پژوهشی یافت نشده است. اما پژوهشگران ایرانی پژوهش‌هایی به شرح ذیل درباره کامل کیلانی انجام داده‌اند: پایان‌نامه کارشناسی ارشد اسحق رسولی (۱۳۸۹)

در دانشگاه حکیم سبزواری با عنوان «بررسی و مقایسه عناصر داستانی در آثار کامل کیلانی و مصطفی رحماندوست»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معصومه یزدانی (۱۳۸۹) در دانشگاه حکیم سبزواری با عنوان «ترجمه و تحلیل برخی مضامین داستان‌های کامل کیلانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد کلاشی (دی ماه ۱۳۹۰) در دانشگاه بوعلی سینا با عنوان «ویژگی ادبیات داستانی عربی کودکان در آثار کامل کیلانی (داستان‌های: *اصدقاء الربیع*، *القبیل الابيض*، *شهرزاد بنت الوزیر*، *فی غابه الشیاطین* و *حکایات الاطفال بدرالبدور*)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد سمانه زازرانی (۱۳۹۲) در دانشگاه شیراز با عنوان «بررسی بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های کامل کیلانی از داستان‌های کهن»، پایان‌نامه کارشناسی - ارشد یعقوب خاتمیان (۱۳۹۳) در دانشگاه یزد با عنوان «بررسی عناصر داستانی در ادبیات کودک و نوجوان کامل کیلانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد

مباحثه به آن پایه‌ای رسیده باشد که بتواند احساسات خود را به یاری آن بیان کند. بدون «احساس» کیفیتی که نویسنده آن را در هیچ مکتبی نمی‌تواند بیاموزد و بدون «مایه» گنجینه‌ای که نه از کیفیت‌های تغییرناپذیر حافظه و ذوق خوب، بلکه بیشتر از طریق برداشت‌های بیرونی به دست می‌آید، نویسنده سبکی نخواهد داشت.» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۵۰۷)

سادگی زبان در ادبیات داستانی کودک بسیار با اهمیت بوده و یک رکن اساسی به شمار می‌آید. از این رو، سبک داستانی به عنوان عنصری مهم در داستان کودک محسوب می‌شود. به گفته برخی از ادیبان، «شیوه انتخاب کلمات و عبارات و چگونگی ساختن و پیوستن جملات، نموداری از سبک نگارش نویسنده است. انتخاب سبک مناسب در رساندن فکر اصلی داستان و درست جلوه دادن شخصیت‌های آن بسیار مؤثر است. از این رو، می‌توان گفت که سبک نگارش یک داستان در خلق و ارائه حالت خاص آن، عامل اساسی است. تناسب سبک نگارش با توانایی‌ها و رغبت‌های سنی اطفال همان اندازه مهم است که با موضوع داستان. مثلاً کودکان و نوجوانان از خواندن مطالب توصیفی چندان لذت نمی‌برند و حوصله دنبال کردن آن را ندارند. در صورتی که خواندن کلمه‌های زیبا و خوش‌آهنگ، تشبیهات بدیع و خیال‌انگیز مشوق ذوق آنها در مطالعه است. آنها به خوبی می‌توانند به ارزش هنری نوشته‌ای که با فنون خاص نویسندگی در ایشان هیجان به وجود می‌آورد، پی ببرند. گذشته از این، داستان‌های کودکان باید روان و راحت

نگاشته شوند تا بتوان آنها را با صدای بلند خواند؛ زیرا باید توجه داشت که در گروه‌های سنی پایین حتی خود کودکان نیز هنگام مطالعه بلند می‌خوانند و اگر نتوانند این کار را به آسانی و توأم با درک لذت انجام دهند، دست از مطالعه برمی‌دارند. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در نوشتن داستان برای کودکان و نوجوانان تا چه اندازه دقت و ذوق باید به کار گرفته شود. نوشتن برای خوانندگان نوجوان، کاری بس دقیق و ظریف است. برعکس آنچه که اغلب پنداشته می‌شود، نویسنده به هیچ‌وجه نمی‌تواند به علت کم بودن سن خوانندگان، کار خود را سرسری بگیرد و از به کار بردن تمام نبوغ و ذوق خویش در خلق اثری برای آنان، فروگذار کند (ایمن‌آهی و دیگران، ۱۳۵۵: ۷۸ - ۷۷). سبک یا اسلوب زبانی است که میان افکار، رویدادها و شخصیت‌های داستان ارتباط برقرار می‌کند و شرح آنها را نقل می‌نماید.

ویژگی‌های یک سبک نگارش خوب در ادبیات داستانی کودک عبارت‌اند از: الف) سطح یک کلمه باید در حد دایره لغوی کودک بوده و الفاظ جدید معدود باشد. ب) گزینش کلمات باید دارای راهنمایی‌های حسی بوده و دور از الفاظی باشد که دارای معانی انتزاعی است. ج) استفاده از صفاتی که به کودکان فرصت تخیل بدهد تا آن را بخوانند. د) امتناع از کلمات و الفاظ بیگانه. ه) دوری از الفاظ و کلمات عامیانه در داستان‌های کودکان (عیسوی، ۲۰۰۴). متقدان ادبی نیز بر این مورد تأکید دارند که چنانچه یکی از آنها گفته است: «نوشتن برای کودکان در

ترکیب‌ها و جملات ساده بوده و خالی از آراستگی و آرایش کلامی باشد.

۲. قوت آن: یعنی در بیداری حواس کودکان و برانگیختن آن مؤثر باشد و توجه آنها را به داستان جلب نماید و این امر تنها با مهارت نویسنده در عمل داستان‌نویسی و تعبیر جملات و عبارات مناسب میسر می‌شود (جفری، ۱۴۲۹ - ۱۴۲۸: ۳۵).

۳. زیبایی و جمال آن: یعنی جمله‌ها و عبارات در لفظ، صوت و موسیقی هماهنگ باشد (قناوی، ۲۰۰۳: ۱۷۰) و در گوش نغمه دلنوازی بیافریند، همانند نغمه تار (مطلوب، ۲۰۰۸).

در پایان می‌توان گفت که «یک اسلوب داستانی خوب، اسلوبی پرتحرک است که به بهترین نحو استعمال می‌شود، تا جایی که روح و روان با شنیدن داستان با چنین سبکی احساس آرامش کرده، از آن لذت می‌برد و معانی و رویدادهای داستان بر او تأثیر می‌گذارد» (قرشی، ۱۴۲۹-۱۴۲۸: ۱۲۹)

کامل کیلانی

کامل ابراهیم کیلانی در فضایی انقلابی و سیاسی، در ۲۰ اکتبر سال ۱۸۹۷ میلادی در روستای قلعه، از توابع شهر قاهره متولد شد. (بکری، ۲۰۰۷؛ زلط، ۱۹۹۴ الف: ۱۱ و ۱۹۹۴ ب: ۹۱)

کامل کیلانی زندگی ادبی خود را با تألیف و نویسندگی در ادبیات بزرگسالان شروع کرد و سپس در زمینه ادبیات کودکان به فعالیت پرداخت تا جایی که آثار زیادی در این زمینه خلق کرد. وی اولین مؤسس کتابخانه کودکان در مصر است و

سنین پایین باید با زبان محاوره باشد؛ یعنی با زبانی که حاوی کلمات فصیح و نیکویی است که از لهجه عامیانه گرفته می‌شود» (نجیب، ۱۹۸۵: ۸۰ - ۷۹). (و) استفاده از عبارات و جملات کوتاهی که کودک بتواند آن را بفهمد. همان‌طور که در هیجان و سرعت حادثه منعکس می‌شود. (ز) امتناع از استعارات و کنایات و محسنات بلاغی. (ح) پرهیز از اطاله کلام و استفاده از ایجاز تا اینکه تمرکز کودک به هم نریزد و دچار تشتت نشود. (ط) به‌کارگیری اسلوب گفتمانی که پر از لذت و بسیار نیکو و متناسب با شخصیت‌ها باشد. (ی) توجه به آوای زبانی در کلماتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، از حیث دلالت آنها بر صداها و تشابه در وزن؛ زیرا می‌تواند در لذت رساندن به کودکان مؤثر باشد (عیسوی، ۲۰۰۴). (ک)

در حالت کلی، شکل زبان نوشتاری داستان کودک باید طوری باشد که کودک به راحتی بتواند درک کند. اما در زبان عربی به خاطر اینکه کلمات بسته به نقش خود، با حرکتهای فته، کسره و ضمه و انواع مختلف تنوین (َ ُ ٌ) علامت‌گذاری می‌شوند، نویسنده داستان کودک باید کاملاً کلمات را با اعراب بنویسد تا کودکان احتمالاً دچار اشتباه نشوند (نجیب، ۱۹۹۱: ۵۳ - ۵۴). علاوه بر ویژگی‌های مذکور، موارد ذیل نیز باید در سبک نگارش داستان کودک مورد توجه قرار گیرند:

۱. وضوح و آشکار بودن آن: یعنی فهم الفاظ و ترکیب‌ها و حتی موضوع داستان در حد توان کودکان باشد. این زمانی میسر می‌شود که

۱. سبک زبان داستان‌های کامل کیلانی

در مورد سبک نویسندگی کیلانی باید گفت که او راه نویسندگی را بدون هدف نیمود و قلمش را جز به قصد هدایت و ارشاد آزاد نگذاشت. او از زمانی که در اندیشه نوشتن برای کودکان بود، سعی می‌کرد که داستان‌هایش حاوی ویژگی‌هایی کودکانه باشد. کیلانی سخنش را بدون ابزاری مشخص و دقیق برای ارتباط با ادبیات داستانی مخصوص کودک به زبان نمی‌آورد، او که داستان را وسیله‌ای ویژه برای تربیت می‌داند و معتقد است که یک نویسنده قبل از اینکه ادیب باشد، مربی است، پس باید شیوه‌ای را در پیش بگیرد که مبتنی بر شرح حقیقت زندگی کودکان باشد. کودکان نزد وی، اساس یک جامعه هستند و آنچه که مشخص می‌باشد، این است که آنها در بدو زندگی خود غلبه همیشگی خیر و خوبی را می‌خواهند. اینها واقعیت‌هایی است که کامل کیلانی به آن پایبند است.

کیلانی در ابتدای بعضی از داستان‌هایش، مقدمه‌ای می‌آورد و در آن نکاتی را شرح می‌دهد که متعلق به خود داستان و سلسله حوادث آن می‌باشد و همچنین درباره نظرات خود راجع به هنر نویسندگی برای کودکان سخن می‌گوید. بنابراین، هر پژوهنده‌ای که به آثار وی می‌پردازد، نمی‌تواند از مقدمه مجموعه داستان‌هایش چشم‌پوشد. زیرا این مقدمه‌ها ایده و انگیزه او را در نویسندگی بیان می‌کند و حاصل مهارت و تبحر وی است. کیلانی داستان را با روح و روان خود می‌نویسد. او بیشترین توانایی را در زمینه ادبیات کودکان داراست و اگر بخواهد نکاتی از آن را

هانس کریستن اندرسن کشورهای عربی نیز نامیده می‌شود (موسی، ۲۰۱۰: ۷۰). او در سال ۱۹۲۷م. اولین داستان کودک معروف خود با عنوان *السندباد البحری* را تألیف کرد (بکری، ۲۰۰۷: زلط، ۱۹۹۴الف: ۱۱ و ۱۹۹۴ب: ۹۱) و اولین کسی است که به زبان عربی در عصر جدید برای کودکان داستان نوشت. وی هر هفته همایشی ادبی در منزلش برگزار می‌کرد و در آن بیشتر از دوستان و مردان بزرگ عرب و مسلمانان دعوت می‌کرد. این همایش تا ۳۰ سال برگزار شد (دیاب، ۱۹۹۵: ۱۳۳). به گفته برخی صاحب‌نظران: «کامل کیلانی با بزرگانی چون خلیل مطران، احمد زکی ابوشادی، احمد شوقی و... هم‌عصر می‌باشد. خلیل مطران درباره او می‌گوید: کلامش سهل ممتنع است، پس در تبیین و تشریح آن عجله نکنید و به اندازه تلاشی که وی در خلق آن صرف نموده، تأمل کنید. داستان‌هایش حاصل ابتکار اوست و در آن اصول بلاغت و فصاحت را رعایت می‌کند. ساخته این مرد در بهترین شکلش، زیرکی و هوش ابداع‌کننده و کفایت‌های مختلف وی را نشان می‌دهد.» (زلط، ۱۹۹۴ب: ۹۴ - ۹۳)

ابراهیم عبدالقادر مازنی درباره او می‌گوید: «تألیفات وی با سادگی تعبیر، درستی الفاظ، رقت ترکیب، دقت در اداء و روانی و آسانی آمیخته و دور از هرگونه غرابت می‌باشد. او با همه اینها پیشرفت تدریجی کودک را نیز مد نظر دارد، به شکلی که داستان خالی از اشتباهات بوده، کودک را از خطا مصون بدارد و حاوی تصاویری زیبا و جذاب برای خواننده باشد.» (کیلانی، ۲۰۰۲الف: ۳۹)

و استفاده از الفاظ کمی که در سطرها و صفحه‌ها تکرار می‌شود؛ ۴. انتخاب شیوه‌ای واضح و ساده و استفاده از واژه‌های معمول و شفاف که نویسنده و کودک می‌پسندند و اگر کلمات، جدید و پیچیده و فهم آن برای کودک سخت باشد، با واژه‌هایی ساده و مترادف آن کلمات، شرح می‌دهد؛ ۵. امتناع از بیان عامیانه و پیش‌پا افتاده؛ ۶. افزایش تصویرهای جذاب در داستان؛ ۷. دور کردن کودک از اشتباه و خطای معنایی؛ ۸. اثبات فضیلت‌ها و معانی پسندیده؛ ۹. تمرکز بر آثار روانی که کودک را از درگیری‌ها دور می‌کند؛ ۱۰. ساده آوردن معانی داستان کودک که خواندن آن برای کودکان ملال‌آور نباشد؛ ۱۱. توجه به سن کودک و علایق و سطح ادراکاتش.

او از میان ویژگی‌های مذکور به سه مورد ذیل توجه ویژه‌ای دارد:

۱. سادگی زبان: کیلانی بیشتر از عموم نویسندگان داستان کودک، به زبان داستان توجه داشته است. به این دلیل توانست، بین زبان و دیگر عناصر داستان، ارتباط برقرار کند. او زبان را خیلی ساده و قابل فهم برای کودکان می‌آورد و تنها گاهی در برخی داستان‌ها، به‌ویژه داستان‌های علمی، القابی برای شخصیت‌ها ذکر می‌کند که در پایان داستان، همه آنها را شرح می‌دهد تا کودکان بتوانند به راحتی معانی آنها را بفهمند.

۲. تکرار لفظ و معنا: تکرار لفظ و معنای کلمه، کاملاً واضح و منطبق با تمام داستان‌های کیلانی است. وی به طور عمدی و آگاهانه و با هدف اینکه بعضی از واژه‌ها برای کودکان قابل

برای دیگران اطلاع‌رسانی کند، به راحتی از عهده‌اش برمی‌آید. به ویژه اینکه وی بر خلاف بسیاری از نویسندگان ادبیات داستانی کودک، به ساختار مقدمه اهمیت می‌دهد، به‌طوری که اگر نمونه‌هایی از ادبیات داستانی کودکان در ادبیات عربی و بیگانه ملاحظه شود، این امر روشن می‌شود.

بیشتر ادیبان داستان کودک به خاطر اینکه معتقدند اکثریت کودکان دوست دارند بدون مقدمه وارد متن اصلی داستان شوند، برای داستان‌های خود مقدمه‌ای نمی‌آورند. کامل الکیلانی مقدماتی را که در ابتدای داستان‌های خود ذکر می‌کند، خطاب به کودکان است و عباراتی چون ای کودک عزیز، ای پسر بچه عزیز، فرزندم مصطفی، فرزندم راشد و ای خواننده کوچک را تکرار می‌نماید و در تمام این مقدمه‌ها با خطاب مستقیم خود، به فرزندانش مصطفی یا رشاد یا به کودکی فرضی، توجه دارد.

یکی از ویژگی‌های مقدمه در داستان کودک وی این است که با اسلوبی زنده آغاز می‌شود تا کودکان را مجذوب خود نماید و آنها را وادار کند قبل از خواندن اصل داستان، مقدمه را بخوانند. داستان وی، عواطف و حواس ادراکی کودک را تحریک می‌کند و او را به خود جلب می‌نماید. کامل الکیلانی مواردی را در داستان-هایش رعایت می‌کند که به شرح ذیل است:

۱. آرامش، بهره‌وری و آسودگی؛ ۲. فصاحت واژه‌ها و عبارات‌ها که به کودکان در پیشرفت تدریجی گفتار و نوشتارشان کمک زیادی می‌کند؛ ۳. تلفظ صحیح کلمات و عبارات

فهم نیست، به تفسیر آن در پانویس یا در ضمن همان صفحه می‌پردازد.

۳. ساختار روانی متناسب با سنین کودکی:

این ویژگی یکی از مهم‌ترین اجزای سبک زبانی داستان‌های کامل الکیلانی است که شامل ابعاد روانی، تربیتی، اجتماعی و فکری می‌باشد که با همدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند و گسستن آنها از هم، به ندرت امکان‌پذیر است. هماهنگی این ابعاد، در رشد و پیشرفت کودکان بسیار ضروری است. ساختار روانی داستان به صورت تام و کامل، تنها با داستانی ابتکاری که اسلوبی زنده و پرتحرک دارد، شکل می‌پذیرد و باید ملاک‌های ذیل برای آن رعایت شود:

۱. داستان ویژگی‌هایی داشته باشد که خطا

و اشتباه را برای کودکان آشکار کند و آنها را طوری تربیت کند که از خطاها دوری نمایند.

۲. داستان‌ها حاوی معانی پسندیده‌ای باشد

که با نمونه‌ها و رویدادهای معینی بیان گردد و ذهن کودک را از شائبه‌هایی که در سنین ابتدایی برای وی ایجاد می‌شود، پاک کند و او را به سوی اعمال نیکو و مردم‌پسند، هدایت کند.

۳. از منظر وی، داستان باید رویدادهایی را

مدّ نظر داشته باشد که بر کودکان تأثیر روانی مثبت داشته، آنها را از درگیری‌ها دور و از جهالت رها سازد. از این‌رو، وی معتقد است که یک ادیب و نویسنده داستان کودک، باید آگاه به دوره کودکی و دنیای او باشد و از نظر روحی و احساسات، کودک و نیازهایش را بشناسد.

۴. توجه به سن کودکان و علایق آنها.

۵. ارائه داستان به روشی که برای کودکان

دوست‌داشتنی باشد. (کلاشی، ۱۳۹۰: ۳۶ - ۳۳)

درونمایه نمونه داستان‌ها

۱. *أصدقاء الربيع* (دوستان بهار)

این داستان سرگذشت مارمولکی است به نام ابوبریص که با آمدن بهار از خواب زمستانی بیدار می‌شود و برای استفاده از نورخورشید و لذت‌های فصل بهار، از لانه‌اش بیرون می‌آید. ابوبریص بهار سال گذشته با ام‌هبیره، قورباغه‌ای که لقبش *دابةالنهر* (جنبنده رودخانه) است، دوست شده بود. او پس از بازآمدن بهار، دوستش را می‌جوید تا اینکه او را می‌یابد. ام‌هبیره چند مدت بعد، تخم‌گذاری می‌کند و پس از هشت روز بچه‌هایش از تخم بیرون می‌آیند. طبق روال رشد و تکامل قورباغه‌ها این بچه‌ها نیز در ابتدای رشد دم داشته و همانند ماهی در آب می‌مانند. وقتی *دابةالنهر* بچه‌های خود را به ابوبریص نشان می‌دهد، او با دیدن بچه‌ها و تفاوتی که با قورباغه داشتند، ام‌هبیره را مردد می‌کند که شاید اینها بچه‌هایش نباشند. اما قورباغه بعد از پرس و جو از دیگران، بالاخره به واسطه عمومیش، از ماجرای رشد قورباغه‌ها آگاه می‌شود. بعد از مدتی که بچه قورباغه‌ها رشد می‌کنند، دمشان محو و سرشان بزرگ شده، به تدریج شبیه به قورباغه می‌شوند. ام‌هبیره با دیدن آنها بسیار خوشحال شده و دوستش ابوبریص نیز می‌فهمد که هر چیزی قانون خاص خودش را دارد.

۲. الفیل الابيض (فیل سفید)

در زمان‌های بسیار دور حیواناتی بودند که حرف می‌زدند. در این میان فیل سفیدی بود که اندامی قوی و درشت و اخلاقی خوش و نیکو داشت که ابوالحجاج نامیده می‌شد. او در جنگلی وسیع به همراه فیل‌های زیادی زندگی می‌کرد. اما لشبل مادر نابینای ابوالحجاج، پیر و ناتوان بود. به طوری که او باید برای مادرش غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا تهیه می‌کرد تا مادرش در آسایش کامل باشد. گروهی از فیل‌ها از نابینایی مادرش سوء استفاده کرده و در نبود ابوالحجاج غذاها و نوشیدنی‌هایش را می‌ربودند. هنگامی که فیل سفید این موضوع را فهمید، مجبور شد با مادرش به غاری در سرزمین دور دست پناه آورد. آنها در آن غار زندگی خوشی داشتند تا اینکه یک روز غروب، وقتی مادر و پسر با هم درد و دل می‌کردند، صدای انسانی را شنیدند که درخواست کمک می‌نمود. ابوالحجاج از سر دلسوزی و مروت به کمکش شتافت، در حالی که مادرش مخالف کمک کردنش به آن انسان بود؛ زیرا اعتقاد داشت که همه انسان‌ها حيله‌گرند. او برای اولین بار به گفته مادرش توجه نکرد و به آن مرد کمک نمود. آن مرد اهل بنارس بود. شاه بنارس فیلی به نام ابوالکلثوم داشت که او را گم کرده بود. این موضوع آن مرد را وسوسه کرد تا به جای ابوالکلثوم، ابوالحجاج را به او هدیه دهد تا از سرزنشش راحت شود. پس از اینکه شاه را از این موضوع با خبر نمود، به دستور وی، با چندین شکارچی دیگر فیل سفید را گرفت و تقدیم شاه نمود. شاه با دیدن چنین فیل زیبا و

خوش خلق، او را به عنوان سواری خود برگزید و دستور داد ابوالحجاج را در اصطبل قصر اسکان داده برایش خوراکی‌های لذیذ ببرند. اما فیل سفید چند روز لب به غذا نزد تا اینکه یک روز شاه هوس کرد، سوار بر آن شهر را بگردد. خادمان شاه موضوع را به او گفتند و شاه نیز علت غذا نخوردن و بیماری را از ابوالحجاج پرسید. هنگامی که فیل سفید داستان زندگی خود و مادرش را بیان کرد، شاه چون مردی دلسوز بود او را آزاد کرد تا به مادرش برسد. ابوالحجاج پیش مادرش برگشت و داستان را برایش تعریف نمود و نظر مادرش را از اینکه معتقد بود تمام آدم‌ها حيله‌گرند، برگرداند و به او فهماند که همه انسان‌ها مثل هم نیستند و آدم‌های خوب هم وجود دارند.

در ادامه این داستان، داستانی دیگر مربوط به یک شکارچی و آهوایی در کوهستان است. روزی شاه دیماس با مردی که راهنمایش بود، برای گردش به کوهستان می‌روند. کوه، راه‌های پر پیچ و خم و تندی داشت و اطرافش دره‌های عمیقی بود. در حین سفر مرد راهنما، داستان شیخ‌الجبل (پیر کوهستان) را برای دیماس تعریف می‌کند. با این بیان که زمان‌های گذشته، پیرمردی به نام شیخ‌الجبل در این کوهستان زندگی می‌کرد. وی خوش خلق، نیکوکار و منجی آهوها بود و از ستم به جانوران و آزارشان نفرت داشت. روزی مردی شکارچی که فقیر و تهیدست بود و به سختی قوت و روزی‌اش را به دست می‌آورد، آهوئی را تعقیب کرد تا به کوهی که شیخ‌الجبل در آن زندگی می‌کرد، رسید. آهو دیگر راه فرار

کودک طبیعی است. به همین خاطر، نویسنده داستان کودک باید به این موضوع توجه ویژه‌ای نشان دهد تا بتواند بسته به موضوع داستان، با تکرار معنا و آوردن مترادف کلمات و عبارات سخت، فهم داستان را برای کودک آسان نماید. بنابراین در این پژوهش، تکرار واژه‌ها و عبارت‌ها و همچنین انواع جملات به کار گرفته شده در داستان‌ها - به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی و بارز داستان کودک کیلانی - مورد توجه است که برای تشریح بهتر نمونه‌های تکرار در هر داستان، به صورت جداگانه در جدول‌ها نمایش داده می‌شود.

۱-۱. داستان اصدقاء الربیع

این داستان در زمره داستان‌های علمی به شمار می‌آید که برای سنین قبل از مدرسه مناسب است. با توجه به اینکه داستان‌های علمی بیانگر نکات علمی آموزنده برای کودکان هستند، باید طوری نگاشته شوند که برای کودک قابل فهم باشند؛ یعنی اگر کلمه‌ای یا عبارتی برای او مبهم باشد و نتواند معنای آن را بفهمد، چه بسا یک نکته مهم علمی را از دست بدهد که همان نکته، هدف اصلی داستان باشد. از این‌رو، داستان‌های علمی، به ویژه این داستان که برای کودکان سنین قبل از مدرسه نگاشته شد، باید با زبانی آسان نوشته شوند و اگر به نظر آید که درک معنای کلمه یا عبارتی برای کودکان مشکل است، مترادف آن آورده شود تا شاید در فهم آن به کودکان کمک بکند. همان‌طور که کیلانی در این داستان، معنای ۸۷ کلمه و عبارت را در قالب مترادف تکرار نموده و حتی

نداشت، زیرا بین شکارچی و پرتگاه گیر کرده بود. ناگهان پیرمرد کوهستان از راه رسید و مانع شکار آهو شد و شکارچی را به باد ملامت و سرزنش گرفت. پس از آن صیاد قول داد، هیچ‌گاه حیوانی را نیازارد. بعد از گذشت سه سال، روزی شکارچی آهوئی را دید و وسوسه شد که آن را شکار کند. شکارچی، آهو را تا کوهستان تعقیب کرد و پس از مجروح کردن، آهو از پرتگاهی افتاد. هنگامی که شکارچی خواست از پرتگاه پایین برود و آهو را بگیرد، شیخ‌الجبل حاضر شده، با فریادی بلند او را سه بار صدا زد. شکارچی با شنیدن فریاد او متحیر شده و ناگهان از پرتگاه سقوط کرد و به جزای عمل خود رسید.

سبک یا اسلوب زبانی در نمونه داستان‌های

مورد بررسی

به طور کلی، اسلوب زبانی در ادبیات داستانی کودک باید متناسب با سطح درک و فهم او باشد. زیرا اگر واژگان و عبارت داستان برای کودک قابل فهم نباشد، دیگر عناصر نیز برایش مبهم و داستان برای او خسته‌کننده و ملال‌آور است. اما کامل کیلانی در داستان‌های بررسی شده از اسلوب زبانی ساده و متناسب با سطح درک و فهم کودکان استفاده کرده است که این خصوصیت در نوع خود بر جذابیت و زیبایی داستان‌ها می‌افزاید.

۱. تکرار کلمه و عبارات (repeatword)

سنین کودکی ابتدای فراگیری زبان به شمار می‌آید، از این‌رو، محدود بودن سطح لغوی

برخی از واژه‌ها که در صفحات متعدد تکرار شده - فراموش می‌کند و پیدا کردن آن برایش سخت
 اند، مترادفشان را نیز در همان صفحه‌ها تکرار کرده است. مانند کلمات و عبارات شماره‌های ۹،
 است تا اگر کودک نتوانست آن کلمه را بفهمد، ۴۵، ۶۷ و ۷۰ در جدول که هر کدام دوبار و
 دیگر نیاز نباشد در صفحات پیشین در جست - در دو صفحه مختلف تکرار شده‌اند.
 وجوی مترادف آن باشد. چون کودک بعضاً کلمات و عباراتی که در داستان تکرار شده‌اند
 صفحه‌ای را که آن کلمه یا عبارت تکرار شده، از این قرارند:

جدول ۱. کلمات و عبارات تکرار شده در داستان اصدقاء الربیع

ردیف	کلمه یا عبارت	مترادف	صفحه
۱	أَتَقَفَّكَ	اعلمک	۳
۲	تلك الثمار اليانعة	التي طابت و حان قطافها	۳
۳	الابداع	الاختراع	۴
۴	حفدتك	أولاد أولادك	۴
۵	يَتَنَسَّمُ الهواء	يشمُّه	۵
۶	بَهَرَ عَيْنِيهِ شعاع الشمس	غلب ضوء الشمس نورهما و كاد	۵
۷	عرتكم	يعميها	۶
۸	نُؤوم	أَلَمَّتْ بكم، عرضت لكم	۷
۹	سباتها	كثيرة النوم	۷ و ۱۱
۱۰	ثم استأنف كلامه	نومها	۷
۱۱	رفقته	عاد الي حديثه	۸
۱۲	أنشبه مخالبه	أصحابه	۸
۱۳	مأربه	عَلَّقَ أظفاره	۸
۱۴	طنينها	رغبته	۸
۱۵	تربص	صوتها	۸
۱۶	أرهف سمعه	انتظر، ترقَّب	۸
۱۷	حجر نائي	أصغى، تسمَّع	۹
۱۸	فرارها	مرتفع خارج	۹
۱۹	حامت	هربها	۱۰
۲۰	هَبَّ	دارت	۱۰
۲۱	طَلَبْتُهُ	نهض، قفز	۱۰
۲۲	يختلج	حاجته	۱۰
۲۳	بدينة	يتحرَّك، يرتعش	۱۱
۲۴	أمات	سمينة	۱۱

۱۱	أمهات، أمات الحيوان كالأمهات	جمهرة	
۱۲	للإنسان	قفز من الدُّعر	۲۵
۱۳	جماعة	أحداث الزمن و خطوبه	۲۶
۱۳	نظاً من الخوف	تكتنفه	۲۷
۱۳	نوائبه و مصائبه	أسراباً	۲۸
۱۳	تحيط به	غصَّ بها	۲۹
۱۴	جماعات	اهازيجها	۳۰
۱۴	ضاق	روعه	۳۱
۱۴	اغانيها	حتفها	۳۲
۱۴	قلبه	ينعم النظر	۳۳
۱۴	هلاکها	يزدان	۳۴
۱۵	يدقُّقه	أجشَّ	۳۵
۱۵	يتجلى	بُحَّة	۳۶
۱۶	غليظ	رويتك أوَّل وهلة	۳۷
۱۷	غَلَط، خشونة	داناها	۳۸
۱۷	أوَّل شيء أراه	إنبائي	۳۹
۱۸	اقترب منها	ضجرتُ به	۴۰
۱۸	إخباري	تهراً الرداء الخلق	۴۱
۱۹	ضاقت نفسى منه و كرهته	ألما مبرِّحاً	۴۲
۱۹	تقطع الثوب البالى	الجلل	۴۳
۱۲ و ۱۹	متعباً مؤذياً	الدُّعر	۴۴
۲۰	العظيم	يلقبونه	۴۵
۲۱	الخوف	جاثما	۴۶
۲۱	ينادونه	يودى به	۴۷
۲۲	قاعدا	يكاد يبرح	۴۸
۲۲	يهلكه	أعوده	۴۹
۲۲	قلماً يترك	السُّلوى	۵۰
۲۲	أزوره	العزا	۵۱
۲۵	النَّسيان	دمامة المنظر	۵۲
۲۵	الصبر	بُثور	۵۳
۲۶	قبح الهيئة	المحجبة	۵۴
۲۶	خُرَّاجات صغيرة، دماميل	الحرث	۵۵

۲۶	المستورة المخبأة	لا یقدرون هذا الصنيع	۵۶
۲۶	الزرع	المأثر	۵۷
۲۶	لا يشكرون له هذا الجميل	جنّ الليل	۵۸
۲۷	المفاخر	هطلت	۵۹
۲۷	أظلم	انهم الماطر	۶۰
۲۷	تتابع مطرها	نفر	۶۱
۳۰	سال غزيرا كثيرا	لست فيه بدعا	۶۲
۳۰	جماعة	لم يذّر بخلدي	۶۳
۳۰	لست أوّل من فعل هذا	سيماها	۶۴
۳۱	لم يمرّ بخاطري	مرتاعة	۶۵
۳۲ و ۳۷	هيئتها	تسبح و يسبحون	۶۶
۳۴	خائفة	مخلدة	۶۷
۳۴	تعوم و يعومون	خلدك	۶۸
۳۴ و ۳۷	مرتكة مستسلمة	جلية الخبر	۶۹
۳۴	نفسك	ابتدرت	۷۰
۳۶	حقيقته	يُعوّث	۷۱
۳۶	أسرعت	روّعهما	۷۲
۳۶	يستغيث	أخطر نفسه	۷۳
۳۷	خوّفهما، رعّبهما	عنّت	۷۴
۳۸	ادخلها في الخطر، عرضها للهلاك	عراهنّ	۷۵
۳۹	عرضت	ذاريها	۷۶
۳۹	ألم بهنّ انساني ومطالعات فربنهي	أسراب الذباب	۷۷
۳۹	اولادها	آثرته	۷۸
۳۹	جماعته	كيف تيقّ	۷۹
۳۹	اختارته، فضّلته	كيف تنقّق	۸۰
۴۰	كيف تصيح	أبحّ	۸۱
۴۰	كيف تصوّت صوتا يفصل بينه مدّ و	الضفّادى	۸۲
۴۰	ترجيع	لا تنى	۸۳
۴۰	فيه بحّة و خشونة و غلظ	تألّقت	۸۴
۴۱	الضفادع	جائحات	۸۵
۴۱	لا تضعف همّتها و لا تفتر عزمها	مصايح السماء	۸۶
۴۱	أضاءت و لمعت		۸۷
۴۱	مقيّمات نجومها		

۱-۲. داستان الفیل الابيض

مخاطب نامفهوم باشد، مانع از فهم مضمون آن نمی‌شود. دلیل دیگر آن نیز، سادگی عبارات و کلمات است. به طوری که نویسنده سعی کرده از واژه‌ها و عبارات آسانی استفاده کند تا نیاز به تکرار نباشد. جدول ذیل واژه‌ها و عبارات تکرار شده در داستان را بیان می‌کند:

این داستان، داستانی اسطوره‌ای است. تکرار کلمات و عبارات در آن بسیار اندک می‌باشد. یکی از دلایل این کم تکراری آن است که مضمون و معنای کلی این‌گونه داستان‌ها مدنظر است و بر خلاف داستان‌های علمی حتی اگر کلمه یا عبارتی برای

جدول ۲. واژه‌ها و عبارات تکرار شده در داستان الفیل الابيض

ردیف	کلمه یا عبارت	مترادف	صفحه
۱	كُفَّ بصرها	عُمیت	۴
۲	شماريخ الذُّرى	رؤوس الجبال	۲۸
۳	الوديان السحيقهُ	الطرق المنخفضهُ بين كل الجبلين	۲۸
۴	حَينها	موتها	۳۰
۵	روعها	فزعها	۳۱

۲. چگونگی ساختار جملات در داستان

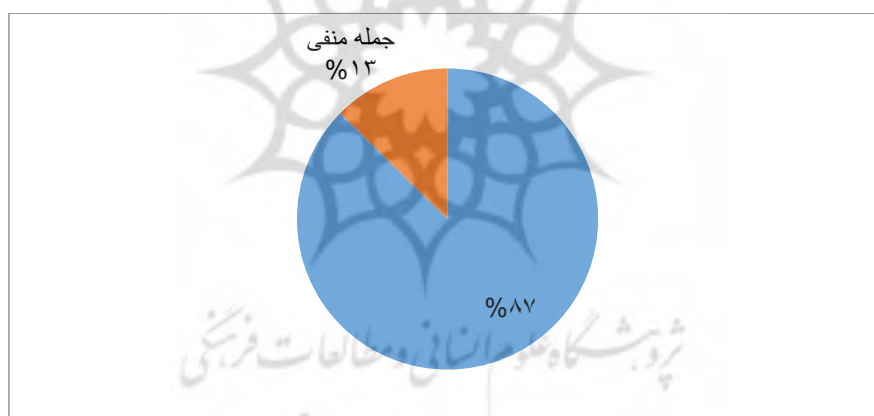
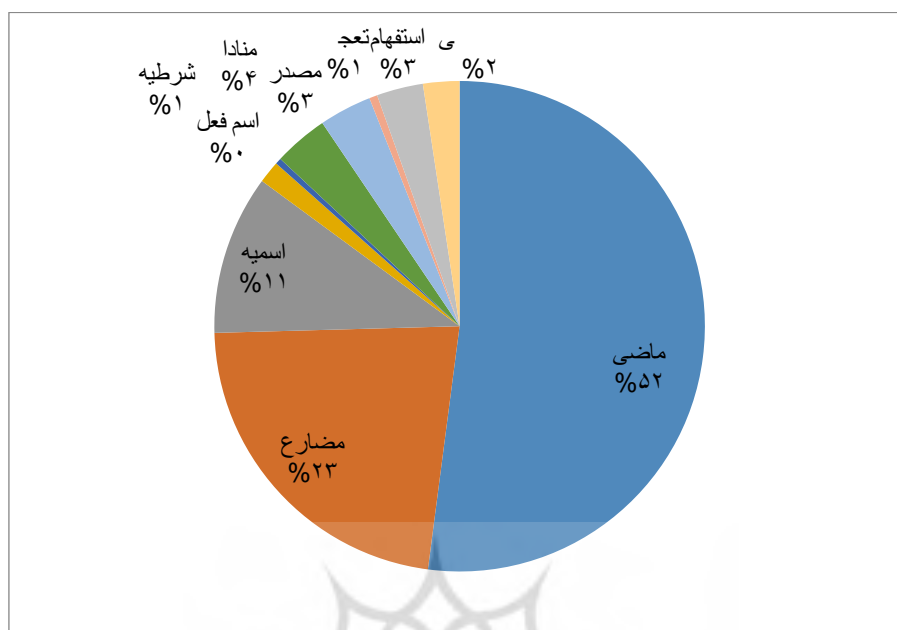
صورت درصد نمایش داده شده و نشان می‌دهد بیشترین درصد عبارات از جملات مثبت برخوردارند تا داستان برای کودکان بیشتر رنگ مثبت و آرامش بگیرد و از طرفی نویسنده بیشتر از فعل ماضی استفاده کرده که می‌خواهد اتفاقات داستان را برای کودک واقعی جلوه دهد. (عرفان، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۹۷)

ساختار جمله با توجه به نوع آن، می‌تواند در سادگی و شیوایی زبان داستان مؤثر باشد. به این خاطر انواع جملات در داستان‌ها به همراه تعداد تکرارشان ذکر شده است. همچنین تمام این تکرار انواع جملات و تعداد جملات مثبت و منفی، در نمودار دایره‌ای به

جدول ۳. انواع ساختار جملات در داستان اصداقاء الربيع

ماضی	مضارع	اسمیه	شرطیه	اسم فعل	منادا	مصدر	تعجب	استفهام	امر و نهی
۳۹۶	۱۷۸	۱۱۰	۶	۱۴	۴۴	۱۳	۱۶	۶۱	۲۵
جمع: ۸۶۳									
جمله مثبت: ۷۸۵									
جمله منفی: ۷۸									

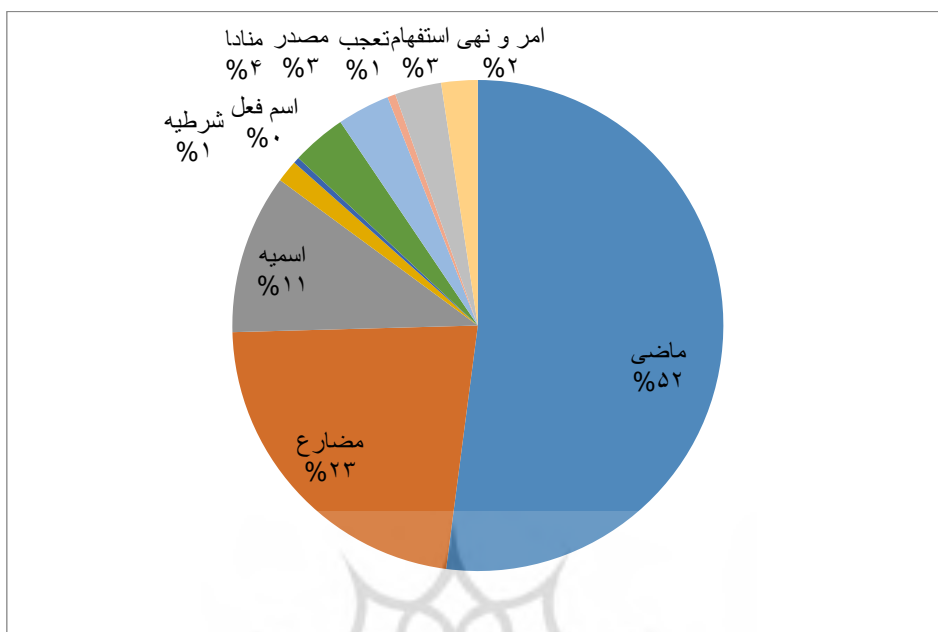
نمودارهای درصدی داستان اصدقاء الربیع



جدول ۴. انواع ساختار جملات در داستان الفیل الابیض

امر و نهی	استفهام	تعجب	مصدر	منادا	اسم فعل	شرطیه	اسمیه	مضارع	ماضی
۱۸	۲۳	۴	۲۶	۲۷	۳	۱۱	۷۹	۱۶۹	۳۹۱
جمع: ۷۵۱									
جمله مثبت: ۶۶۴									
جمله منفی: ۸۷									

نمودارهای درصدی داستان الفیل الابيض



بر افعال ماضی بنا شده است که تقریباً ۹۰ درصد کل جملات را شامل می‌شود که دال بر این است که کامل الکیلانی توانسته است با آوردن افعال ماضی به حوادث و رویدادهای داستان‌هایش رنگ واقعیت ببخشد و آن را برای کودکان ملموس و عینی جلوه دهد. همچنین نویسنده در داستان‌های مورد بررسی بیشتر از عباراتی ساده و

ساختار جملات در داستان‌های مورد بررسی طوری طراحی شده که سهم جملات مثبت ۸۷ درصد و سهم جملات منفی تنها ۱۳ درصد است. بیشتر بودن جملات مثبت اثبات می‌کند که نویسنده سعی دارد مثبت‌اندیشی و نشاط را به افکار کودکان تزریق کند. از طرف دیگر، اساس جملات داستان‌های مورد بررسی

می‌دهد که نویسنده با زیرکی و نکته‌سنجی عبارات داستان را برای مخاطبان کودک خود قابل فهم و آسان نموده است.

- نویسنده با به کار بردن فعل ماضی در داستان‌های مذکور به حوادث و رویدادهای داستان رنگ واقعی و ملموس بخشیده است و این از نکات قابل تأمل در داستان کودک می‌باشد.
- بیشتر جملات داستان‌های مورد بررسی جملاتی مثبت هستند که روح مثبت‌نگری و نشاط را بر پیکره افکار کودکان می‌دمد.

در پایان شایان ذکر است که کامل الکیلانی با شناخت کامل از خلیقات کودکان و با آگاهی از تمامی تکنیک‌های نویسندگی برای کودکان توانسته است، داستان‌هایی متناسب با سطح درک و فهم مخاطبان خردسالش بیافریند.

منابع

ایمن‌آهی، لیلی؛ خمارلو(میرهادی)، توران؛ دولت‌آبادی، مهدخت (۱۳۵۵ه.ش). گذری در ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک (انتشارات کیهانک). چاپ سوم.

البکری، طارق (۲۰۰۷م). «کامل الکیلانی رائداً لأدب الطفل العربی»:

<http://www.syrianstory.com/comment29-16.htm>

الجفری، هناء بنت هاشم بن عمر (۱۴۲۸ - ۱۴۲۹ه.ق). *التربیة بالقصة فی الاسلام و تطبیقاتها فی ریاض الاطفال*. المملكة العربية السعودية: جامعة ام قری. كلية التربية.

کوتاه استفاده کرده است. زیرا کودکان در سنین پایین در ابتدای مسیر طولانی فراگیری زبان هستند و اگر عبارات و جملات پیچیده و طولانی باشد، درک و فهم آن برایشان مشکل است. همه این ویژگی‌هایی که در داستان‌های مورد پژوهش به طرز هوشمندانه‌ای رعایت شده است، نشان از علم و آگاهی نویسنده به خلیقات ظریف کودکان و تکنیک‌های داستان‌نویسی برای آنها دارد.

اما ویژگی خاصی که تنها منحصر به زبان عربی است و در داستان‌های کامل الکیلانی، به خصوص در داستان‌های مورد بررسی وی، رعایت شده، حرکت‌گذاری کلمات براساس نقش آنها در جمله است که فهم معنای عبارات را برای کودکان آسان می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

زبان نمونه داستان‌های مورد بررسی کامل الکیلانی با سطح لغوی و ادراک زبانی کودکان تناسب دارد. بدین شرح که:

- الفاظ و ترکیب‌ها ساده، واضح و خالی از هرگونه آراستگی و آرایش کلام است. این امر در بیداری حواس کودکان و برانگیختن آن مؤثر بوده و توجه آنها را به داستان جلب می‌نماید.

- کلمات و جملات داستان‌های بررسی شده حرکت‌گذاری شده‌اند و بر این اساس نقششان معین است تا کودکان در فهم معانی دچار اشتباه نشوند.

- تکرار واژه‌ها در نمونه داستان‌ها نشان

- دياب، مفتاح محمد (١٩٩٥م). مقدمة في ثقافة و ادب الأطفال، مصر، الدار الدولية. الطبعة الأولى.
- زلط، احمد (١٩٩٤م الف). ادب الاطفال بين احمد شوقي و عثمان جلال. قاهره: دارالنشر للجامعات المصريه. الطبعة الأولى.
- _____ (١٩٩٤م ب). ادب الطفولة بين كامل كيلاني و محمد الهراوي. قاهره: دارالمعارف.
- عرفان، حسن (١٣٨٥). ترجمه و شرح جواهر البلاغه. قم: انتشارات بلاغت. چاپ ششم.
- عيسوى، صباح عبدالكريم (٢٠٠٤م). القصة في منهج رياض الاطفال بالمملكة السعوديه الواقع و المامول. كليه الآداب للبنات بالدمام.
- القرشى، هدى بنت عبدربه بن حميد (١٤٢٨- ١٤٢٩هـ.ق). اساليب تنمية التفكير العلمى لطفل المرحلة الابتدائية و تطبيقاتها فى ضوء التربية الاسلامية». عربستان (حجاز): جامعة امقرى.
- القناوى، هـ (١٤٢٤هـ.ق / ٢٠٠٣م). ادب الاطفال و حاجاته و خصائصه و وظائفه فى العملية التعليمية. كويت: مكتبة الفلاح. الطبعة الأولى.
- كلاشى، محمد (١٣٩٠). ويژگى ادبيات داستانى عربى کودکان در آثار كامل الكيلانى (داستان- هاى: أصدقاء الربيع، الفيل الأبيض، شهرزاد بنت الوزير، فى غابه الشياطين و بدرالبدور). پايان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینای همدان.
- الكيلانى، كامل (٢٠٠٢م). اصدقاء الربيع. قاهره: دارالمعارف. الطبعة الحادية عشرة.
- _____ (٢٠٠٢م). الفيل الابيض. قاهره: دارالمعارف. الطبعة الثانية عشرة.
- مطلوب، احمد (٢٠٠٨م). «لغة الطفل». مجلة الموقف الادبى، العدد ٤٤١، صص ١٨١ - ١٨٩.
- الموسى، احمد (١٤٣١هـ.ق / ٢٠١٠م). ادب الاطفال ... "فن المستقبل". لبنان (بيروت): دار النهضة العربية.
- ميرصادقى، جمال (١٣٨٥). عناصر داستان. تهران: انتشارات سخن. چاپ پنجم.
- نجيب، احمد (١٩٨٥م). فن الكتابة للاطفال سلسله دراسات فى ادب الاطفال، قاهره، دارالكتاب العربى، الطبعة الخامسة.
- _____ (١٩٩١م). ادب الاطفال علم و فن. قاهره: دار الفكر العربى.

The Language Style of Story Writing by Al-Kilani in the Child's Story (Case Study: The Stories by *Asdaq al-Rabiee* and *Alfilol Beyz*)

Faramarz Mirzaei* / Zahra Afzali** / Mohammad Kalashi***

Receipt:

2016/Sep/20

Acceptance:

2017/May/06

Abstract

Each literary work that is being created has its own characteristics, and the style and method of showing the authors' thoughts and their creativity varies according to their intellectual and psychological differences. The storytelling language is a category that should fit the audience or readers and type of story. This feature in the child's story comes with sensitivity and tactfulness as the child's authors should be very aware of them and they must use words and phrases that are simple and understandable for the children is so that the children can touch the events and the in-depth events of the stories. The purpose of this article is to study *Al-Kilani's* writing style in a descriptive-analytical manner in the the above-mentioned stories. The studies carried out in these stories indicate that the full text of Al-Kilani, by using and repeating short and simple words or phrases, adapts the language of his stories to the level of children's understanding. He also has used the past tense verbs to give real aspects to his story and make tangible its events.

Keywords: Contemporary Arabic Literature, Child Story, *Al-Kilani*, Story Style.

* Professor, Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University.

** Associate professor, Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sinai University of Hamedan.

*** Undergraduate M. A. Student, Arabic Language and Literature (Corresponding Author).

Email: klashi.mohammad@gmail.com